

## 174515 - دعاهایی برای کسب روزی و بی‌نیازی و رهایی از بدهی

### سوال

به سبب اوضاع بد اقتصادی که این روزها ایالات متحده با آن روبروست، پدرم در کارش دچار مشکلاتی شده و نمی‌دانیم تا کی می‌تواند کارش را حفظ کند و به او هشدار داده‌اند که ممکن است عذر او را بخواهند... او تنها سرپرست خانواده ماست و من می‌خواهم دعاهایی یاد بگیرم که گفتنش باعث آسان شدن کارها و زیاد شدن ثروت ما شود. من در اینترنت جستجو کردم و دعایی یافتم اما چیزی که مرا در درستی این دعا به شک انداخت این بود که از شخص خواسته بود این دعا را دوازده هزار بار در یک جلسه بخواند. لطفاً مرا کمک کنید و جزاکم الله خیراً.

### پاسخ مفصل

اولاً:

از الله متعال خواهانیم که کارهای شما را آسان گرداند و پدرتان را یاری کند و به شما روزی حلال و مبارک عطا کند.

در سنت صحیح دعاهایی برای رفع نگرانی و از بین رفتن سختی‌ها و پرداخت قرض و کسب ثروت آمده است، از جمله:

۱- امام احمد (۳۷۱۲) از عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت کرده که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «کسی دچار نگرانی و غم نشده که بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَابْنُ عَبْدِكَ، وَابْنُ أُمَّتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَا ضُفِيَ فِي حُكْمِكَ، عَدْلٌ فِي قَضَاؤِكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي، وَتُورِثَ صَدْرِي، وَجَلَاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي، مگر آنکه الله نگرانی و غم او را از بین می‌برد و به جای آن گشایش قرار می‌دهد» گفتند: یا رسول الله، آیا آن را یاد بگیریم؟ فرمود: «آری، برای کسی که آن را می‌شنود شایسته است که آن را یاد بگیرد». آلبانی در «صحیح الترغیب والترهیب» (۱۸۲۲) آن را صحیح دانسته است.

(معنای دعا: خداوند من بنده تو و بنده بنده تو و بنده کنیز توام، پشیمانی‌ام به دست توست، حکم تو درباره من جاری است و قضایت درباره من عادلانه است. تو را به هر نامی که برای تو است، که خود خودت را به آن نامیده‌ای یا به کسی از بندگانت یاد داده‌ای یا در کتابت نازل کرده‌ای یا در علم غیب نزد خود نگه داشته‌ای به دعا فرا می‌خوانم که قرآن را بهار دل من، و نور سینه‌ام و از بین برنده غم و نگرانی من بگردانی).

۲- مسلم (۲۷۱۳) از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت کرده که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ما را امر می‌کرد که هرگاه به رختخواب رفتیم بگوییم: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَرَبَّ الْأَرْضِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ

وَالْإِنجِيلِ وَالْفُرْقَانِ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ افْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ».

(معنای دعا: خداوند ای پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار عرش بزرگ، پروردگار ما و پروردگار هر چیز، شکافنده دانه و هسته و نازل کننده تورات و انجیل و فرقان، از شر هر جنبنده‌ای که پیشانی‌اش را گرفته‌ای به تو پناه می‌برم، تویی آن نخست که پیش از تو چیزی نیست و تویی آن آخر که پس از تو چیزی نیست، و تویی آن آشکار که بالاتر از تو چیزی نیست، و تویی آن باطن که نزدیک‌تر از تو چیزی نیست، بدهی ما را از ما ادا کن و ما را از فقر بی‌نیاز و غنی گردان).

۳- و از علی - رضی الله عنه - روایت است که مکاتبی نزد او آمد (مکاتب برده‌ای است که برای آزادی خود با صاحبش قرارداد بسته تا در برابر مبلغ خاصی او را آزاد کند) و گفت: من از تامین قراردادم عاجز مانده‌ام، مرا یاری ده! ایشان فرمودند: آیا جملاتی را به تو یاد ندهم که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به من یاد داد؟ که اگر به اندازه کوه «صیر» بدهی داشته باشی الله برایت ادایش می‌کند؟ بگو: «اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ». به روایت ترمذی (۳۵۶۳) و آلبانی در صحیح ترمذی آن را حسن دانسته است.

مکاتبه: تعهد برده به صاحبش است که در برابر آزادی‌اش مالی را به او بدهد.

۴- طبرانی در «المعجم الصغير» از انس بن مالک - رضی الله عنه - روایت کرده که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - خطاب به معاذ - رضی الله عنه - فرمود: «آیا دعایی به تو یاد ندهم که اگر بدهی‌هایی همانند کوه احد بر گردنت باشد الله آن را برایت ادا سازد؟ ای معاذ بگو: اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مِنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزُّ مِنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مِنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ رَحِمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا تُعْطِيهِمَا مِنْ تَشَاءُ وَتَمْنَعُ مِنْهُمَا مَنْ تَشَاءُ اِرْحَمْنِي رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ». آلبانی در «صحیح الترغیب والترہیب» (۱۸۲۱) آن را حسن دانسته است.

(معنای دعا: خداوند ای مالک ملک، فرمانروایی را به هر کس که بخواهی می‌دهی و از هر کس که بخواهی باز می‌ستانی، و هر که را بخواهی عزیز می‌گردانی و هر که را بخواهی خوار می‌سازی، خیر به دست توست، تو بر هر چیزی توانایی، رحمان دنیا و آخرت و رحیم دنیا و آخرتی که آنها را به هر کس بخواهی عطا می‌کنی و از هر کس بخواهی باز می‌ستانی، مرا رحمتی کن که از رحمت دیگران بی‌نیازم گرداند).

۵- از دیگر وسایل بزرگ سودمند در کسب روزی، استغفار بسیار است. الله تعالی می‌فرماید:

﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَبَيْنٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً﴾.

[سوره نوح: ۱۰-۱۲]

(و گفتم از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است \* [تا] بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد \* و شما را به اموال و پسران یاری کند و برایتان باغ‌ها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد).

ثانیا:

اما تعیین تعداد مشخصی برای این دعاها، از جمله بدعت‌های نوساخته است.

در «فتاوی اللجنة الدائمة» آمده است:

«اصل در اذکار و عبادات، توقیف است، و اینکه الله جز با آنچه خود مشروع ساخته عبادت نشود، همینطور اطلاق آن (اینکه موقت به وقت و تعداد و کیفیت خاصی نباشد) یا زمان دار باشد، و کیفیت آن و تعیین تعدادش درباره اذکار و دعاهایی که الله مشروع ساخته نیز توقیفی است. همچنین درباره عباداتی که به شکل مطلق وارد شده و به وقت یا عدد یا کیفیت خاصی مقید نشده جایز نیست که در انجام آن خود را به کیفیت یا وقت یا عدد خاصی مکلف سازیم، بلکه او را با آن عبادت به شکل مطلق یعنی همانطور که وارد شده عبادت می‌کنیم و آنچه بر اساس ادله قولی یا عملی به وقت یا عدد یا مکان یا کیفیت خاصی مقید شده، الله را به همان شکل عبادت می‌کنیم، به همان شکلی که بر اساس شرع ثابت شده است.

شیخ عبدالعزيز بن باز، شیخ عبدالرزاق عقیفی، شیخ عبدالله بن غدیان، شیخ عبدالله بن قعود».

(مجلة البحوث الإسلامية: ۲۱/۵۳) و (فتاوی اسلامیة: ۴/۱۷۸).

والله اعلم.